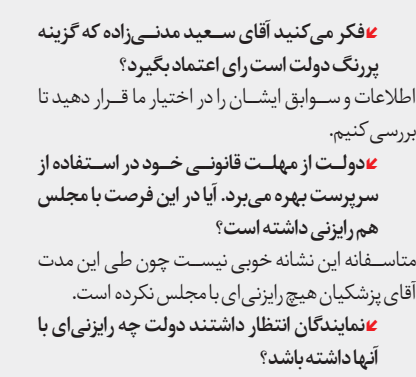
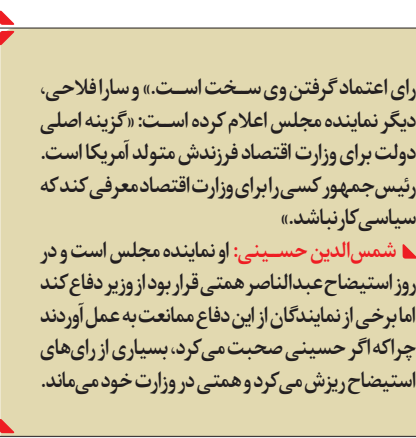


از سوی دیگر به هر اصلاحی دست می‌زند یک نفر دردش می‌آید و حلقه فشارهای مجلس تنگ‌تر می‌شود. در حقیقت دولت چهاردهم با چند معضل بزرگ دست به گریبان است و به دنبال راه چاره؛ اول، اتفاقات بین‌المللی. دوم، ناکارآمدی هاو ناثرآزی‌هایی که از دولت‌های گذشته به ارث مانده، سوم، مذاکرات و تلاش برای رفع تحریم و چهارم، فشارهای مجلس و چوبی که برخی نمایندگان به نام‌وفاق لای چرخش گذاشته‌اند تا دولت یارای پیش‌رفتن حتی کمترین قدم‌ها را هم نداشته‌باشد.

در این میان قانون به کارگیری افراد در مشاغل حساس نیز سد راهی شده برای به‌کارگیری افرادی که در خارج از ایران تحصیل یا خدمت کرده‌اند و فرزندان‌شان حین خدمت یا تحصیل به دنیا آمدند. دولت باید با تمام محدودیت‌های پیش رویک فرد را انتخاب و به مجلس پیشنهاد کند تا به‌عنوان وزیر اقتصاد رای اعتماد بگیرد اما تاکنون به این مرحله نرسیده است. از سوی دیگر هر گزینه‌ای برای وزارت اقتصاد در دولت مطرح و پیرنگ می‌شود، برخی از نمایندگان در مقابل آن موضع می‌گیرند و دولت را بر آن می‌دارند از مواضع خود عقب‌بنشیند چرا که برگه رای اعتماد در دست نمایندگان است. بنابراین پیربره نیست اگر بگوییم که موضع‌گیری‌های تند برخی از نمایندگان دولت را به دور باطل انتخاب یک وزیر انداخته است. اینطور به نظر می‌رسد که مجلس به دنبال وزارت یکی از درون خود است و تنها گزینه پیرنگ آنها شمس‌الدین حسینی است. البته که آن‌ها به این موضوع توجه هم ندارند که مردم در انتخابات ۱۴۰۳ ریاست جمهوری به کسی رای دادند که همسویان با آنها در تصمیم‌گیری نباشد و مطمئناً آفشدشان تکرارهای دولت سیزدهم که دولت سوم احمدی‌نژاد در حوزه سیاسی، سیاست خارجی و اقتصادی بود، نبوده است و به احتمال قوی با توجه به فاصله اندک زمانی از آن انتخابات هم چهره‌های اقتصادی که به عنوان نماینده مسعود پزشکیان، کاندیدای وقت و رئیس جمهور فعلی در فضای رسانه و محافل مختلف حضور داشتند را به یاد دارند؛ چنانچه اگر رایشان رای به این تفاوت نبود، سعید جلیلی و علیرضا زاکانی ... کاندیدای انتخابات بودند و مردم به آنها رای می‌دادند.



اینکه اسم یک یا چند نفر را به مجلس ارائه کند و سوابق و عملکرد گزینه‌ها را در اختیار نمایندگان قرار دهد و اعلام کند که «این افراد گزینه‌های مد نظر ماست شما هر کدام را مناسب‌تر می‌دانید بگویید تا ما معرفی کنیم.»

❗ **با استیضاح آقای همتی قیمت ارز کاهش پیدا نکرد. به نظر شما با معرفی جایگزین آقای همتی گزینه مدنظر دولت و رای اعتماد مجلس قیمت ارز کاهش پیدا می‌کند؟**

قیمت ارز در دست دولت است و هر موقع دلش بخواهد قیمت آن را افزایش یا کاهش می‌دهد. این رویه غلطی است که دولت برای تأمین کسری بودجه در پیش گرفته و نه ربطی به انتخاب وزیر دارد نه ربطی به مذاکرات. این بازی خود دولت است.



فضای رای اعتماد به کابینه در ابتدای دولت نشان داد که پیش‌فرض مجلس همراهی با دولت است مگر اینکه گزینه پیشنهادی دارای اشکالات اساسی باشد.

❗ **به نظر شما چرا دولت از تمام مهلت خود برای سرپرست استفاده می‌کند؟ آیا در حال رایزنی با مجلس است؟**

انتظار این بود که با توجه به حساسیت شرایط اقتصادی دولت در فرصت کمتری نسبت به این موضوع تصمیم بگیرد اما به طور طبیعی در دولت و خارج از آن هم نیروهای مختلفی وجود دارد که در گزینه انتخابی به دنبال مطلوبیت مدنظر خود هستند و این ممکن است منجر به طولانی شدن فرایند انتخاب گزینه پیشنهادی شده باشد.



شرایط مجلس برای معرفی وزیر مناسب نیست

قیمت ارز کاهش نیافت. زمان استیضاح هم گفتیم که این افزایش قیمت در اثر مسائل بیرونی است. در این روزها شاهد هستیم که هر زمان که مذاکرات انجام می‌شود قیمت ارز کاهش می‌یابد. این یعنی برنامه آقای همتی موجب افزایش قیمت ارز نشد بلکه مسائل بیرونی روی آن تأثیرگذار است. ضمن آنکه اقدام درست نزدیک کردن قیمت ارز توافقی و بازار آزاد است. ارز دستوری قطعاً محکوم به شکست است. از سوی دیگر آنقدر ارز نداریم که با ریختن آن در بازار قیمت ارز را به صورت دستوری پایین نگه داریم. قیمت ارز را باید، بازار عرضه و تقاضا تعیین کند. با توجه به فضایی که ما در مجلس می‌بینیم بیشتر مشکلات ناشی از دیدگاه و تفکر عده‌ای از نمایندگان مجلس است. شما استیضاح کنندگان آقای همتی را با استیضاح کنندگان وزیر راه و شهرسازی مقایسه کنید. اکثر افراد مشترک هستند و این گویای آن است که یک جریان سیاسی خاص نمی‌خواهد که دولت موفق باشد و منافع ملی را تابع منافع گروه خود قرار داده است. این اتفاق برای کشور بسیار زیان‌آور است و ضربه شدیدی به منافع ملی ما می‌زند.

❗ **چرا بقیه نمایندگان با این جریان سیاسی همراه شده‌اند؟**
متأسفانه استیضاح آقای همتی کار عوام‌فریبانه‌ای بود. چرا که قیمت ارز که بر اثر عوامل بیرونی ناگهان افزایش یافت و صدای مردم درآمد که «تورم شدیدتر شده است.» این انتقاد مردم کاملاً بحق بود اما برخی از نمایندگان بر این موج سوار شدند و گفتند: «ای مردم ما ناجی شما هستیم و به فکر حل مشکلات شما.» اما واقعیت این نبود و مشکلات با استیضاح حل نشد. در حال حاضر هم برخی از نمایندگان که بیشتر مربوط به جبهه پایداری هستند محرک استیضاح‌ها هستند. تعدادی از نمایندگان نیز به دلیل مشکلات حوزه انتخابیه با آنها همراهی می‌کنند و نمایندگان سیال هستند و فکر می‌کنند که مشکلات حوزه انتخابیه آنها از این میسر حل می‌شود. به طور کلی متعقدم که باید به دولت فرصت حداقل یکساله بدهیم. هنوز بسیاری از ارکان دولت در مدیریت‌های استانی تکمیل نشده است. باید پس از پیاده شدن برنامه‌های دولت ابتدا از راه تذکر و طرح سوال شروع کنیم بعد اگر وزیری ناتوان بود استیضاح شکل بگیرد.

❗ **با توجه به فضایی که از مجلس ترسیم کردید احتمال عدم رای اعتماد به گزینه‌های معرفی شده توسط دولت را می‌دهید؟**

من فکر می‌کنم برخی از نمایندگان دنبال گزینه‌هایی در درون مجلس هستند و بر این باورند که این گزینه‌ها مناسب‌تر به نظر می‌رسند و برخی را هم مطرح کرده‌اند. این باعث شده که در مقابل گزینه‌های پیشنهادی دولت مقاومت نشان دهند. به هر حال احتمال اینکه گزینه‌ای معرفی شده و رای اعتماد نیاورد هم وجود دارد. به همین دلیل دولت باید دقت کند که گزینه جامع‌الشرایطی را معرفی کند. از سوی دیگر دولت باید جلسات متعددی با نمایندگان سیال داشته باشد. این نمایندگان اگر در جریان کامل برنامه گزینه مورد نظر دولت برای وزارت اقتصاد قرار گیرند، در موضع خود ثابت می‌مانند و به وزیر پیشنهادی رای اعتماد می‌دهند.



سیاستمداران



در تله تسخیر سفارت افتادیم

ابراهیم اصغرزاده، فعال سیاسی اصلاح‌طلب در گفت‌وگو با خبرنگاران در پاسخ به این سوال که «اگر به گذشته برگردید، سفارت را تسخیر نمی‌کنید؟» گفت: «آن اتفاق متعلق به زمان دیگری است. چنین سوالی را نمی‌شود مطرح کرد. اما الان که نگاه می‌کنیم می‌بینیم که در تله همان مسیر افتادیم. یعنی به جای آن که آن را به یک حادثه موقت تبدیل کنیم، آن را به یک استراتژی بلندمدت تبدیل کردیم. آمریکا شاه را پذیرفته بود. حتی اگر ما آن را یک نقشه در نظر می‌گرفتیم، نباید آن را به استراتژی بلندمدت تبدیل می‌کردیم تا تمام حیثیت سیاسی و توسعه کشور را گروگان یک نوع نگاه نسبت به غرب و نسبت به آمریکا کنیم.» او درباره مذاکرات ایران و آمریکا گفت: «اتفاقاتی که در ماه‌های گذشته در منطقه رخ داد، شرایطی را ایجاد کرد که حکومت تصمیم گرفت تا مسیر سیاست خارجی خود را اصلاح کند و دارای انعطاف باشد و بحث مذاکرات را شروع کند. فکر می‌کنم شکست این دور از مذاکرات، به این خاطر مهم است که جریان‌ی شروع شده است که اگر شکست بخورد، متوقف شود، یا تبدیل به یک عدم توافق شود، هزینه فوق‌العاده سنگینی را برای ما در بر خواهد داشت. در این صورت آمریکا و ایران دوباره روایت‌های گذشته خود را بازخوانی خواهند کرد و هر کدام به لحاظ هویتی طرف مقابل را متهم می‌کنند. آمریکا می‌گوید ایران تروریست است و ایران هم می‌گوید آمریکا برانداز است. بنابراین، دوباره سر جای اول خود برمی‌گردیم. بنابراین شکست مذاکرات فوق‌العاده مهم است و نباید این مذاکرات شکست بخورد.» او همچنین گفت: «به‌عنوان یک اصلاح‌طلب همیشه پیشنهادم این بوده است که مذاکرات جامع باشد، یعنی فقط محدود به پرونده هسته‌ای ایران نباشد؛ درمورد همه مسائل باشد تا بتوانیم رابطه خود را با غرب و آمریکا اصلاح کنیم. مذاکرات موقتی، سرکاری، مذاکره برای مذاکره یا توافق‌های کوتاه‌برد -به خاطر مزاحمت‌ها و کارشنکی‌هایی که برخی از مخالفین مذاکرات چه در داخل ایران و چه در آمریکا و چه در منطقه مانند اسرائیل دارند- آسیب‌پذیرند. آن‌ها بعداً مزاحمت ایجاد خواهند کرد. برای این که این اتفاق نیفتد به نظم مذاکرات باید فوری و هم جامع باشد. باید به همه حوزه‌ها برسد، در سطوح عالی‌ه باشد و به سمت باز کردن راه‌هایی برود که ایران بتواند از مواب این مذاکرات بر خوردار شود.»



تعویق مذاکرات کار درستی بود

غلامعلی جعفرزاده‌ایمن‌آبادی، عضو شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه در گفت‌وگو با ایسنا درباره مذاکرات ایران و آمریکا گفت: «در روند مذاکرات اتفاق عجیب و غریبی رخ نداده است. واقعیت امر این است که همه این مسائل قابل پیش‌بینی بود. رفتار ترامپ، سخت‌گیری‌ها و کارشنکی‌ها همه قابل پیش‌بینی بود. به خاطر همین بود که مادر دوران بایدن عجله داشتیم تا مسئله هسته‌ای خود را با آمریکا حل کنیم، اما متأسفانه در این زمینه در دولت قبلی کوتاهی شد.» او ادامه داد: «ترامپ کار غیرمنطقی انجام داد. از نگاه بنده نمی‌شود در وسط مذاکرات یکباره تحریم‌های سخت علیه ایران اعمال کنند. این یک بداخلاقی بسیار بزرگی است. کار ترامپ اشتباه بود، اما کار عجیب و غریبی انجام نداد. روحیات ترامپ اینگونه است. ترامپ تعادل ندارد و به نوعی خیلی نمی‌توان روی آن حساب باز کرد. از نگاه بنده باید از ابتدا وزیر امور خارجه و تیم مذاکره‌کننده ایرانی یک مدت‌زمان معینی تعیین می‌کرد تا تحریمی در این بازه زمانی علیه ایران اعمال نشود. آنگاه اگر دراین بازه زمانی مذاکرات به نتیجه نمی‌رسید، هر کدام از طرفین کار خود را پیش می‌بردند. مذاکرات خیلی خوب پیش می‌رفت، اما این تحریم‌های یکباره در وسط مذاکرات معنایی ندارد. از نگاه بنده تعویق مذاکرات در این مقطع زمانی کار درستی بود.»